

نقش توسل به اهل بیت علیهم السلام در ایجاد آرامش و روحیه

امیدواری و نشاط جوانان از منظر قرآن و حدیث

که عاطفه استخری^۱

که سیدعلی سجادی زاده^۲  10.61186/QAE.2024.1702.1100

که اعظم رحمت آبادی^۳

چکیده

از ابعاد سلامتی سلامت اجتماعی است که اهمیت آن برای جوانان، به خاطر ظرفیت‌های وجودی‌شان، مضاعف است و یکی از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه اسلام آرامش و امیدواری و نشاط است. به نظر می‌رسد از مهم‌ترین عواملی که به ایجاد و تقویت این مؤلفه در جوانان کمک می‌کند، توسل به اهل بیت علیهم السلام است. در مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی نقشی که توسل به اهل بیت علیهم السلام در ایجاد آرامش و روحیه امیدواری و نشاط جوانان ایفا می‌کند بررسی شده است. این پژوهش با هدف اُنس بیشتر جوانان با معصومان علیهم السلام و ارتقای سطح سلامت اجتماعی این سرمایه‌های عظیم است. جوانان با توسل به اهل بیت علیهم السلام به خداوند تعالی تقرب پیدا می‌کنند و در هنگام سختی و مشکلات در پناهگاه امن معصومان علیهم السلام مأوا می‌گیرند. همچنین انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و سرانجام، پیروزی نهایی حق بر باطل امید و نشاط و آرامش را برای جوانان به ارمغان می‌آورد.

واژگان کلیدی: توسل، امیدواری، نشاط، آرامش.

۱. دانش‌پژوه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس علیها السلام، حوزه علمی خراسان

(نویسنده مسئول)، estakhri313@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، sajjadzadeh@razavi.ac.ir

۳. استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، a_rahmatabady@yahoo.com

از دیدگاه اسلام الگوی مناسب، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، عدالت‌مندی، انگیزه، نشاط، امیدواری، نگاه مثبت به جامعه و رضایت از زندگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت اجتماعی جوانان هستند.

سلامت شرطی ضروری برای ایفای نقش‌های اجتماعی است و انسان‌ها در صورتی می‌توانند فعالیت کامل و مؤثر داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آن‌ها را سالم بداند و در حقیقت انسان سالم محور رشد و تعالی جامعه است؛ لذا سعی داریم تا در این تحقیق به راهکاری برای ایجاد و تقویت یکی از مؤلفه‌های سلامت اجتماعی جوانان از دیدگاه اسلام، یعنی آرامش و امیدواری و نشاط پردازیم.

سلامت اجتماعی در جوانانی که در دوران رشد، شکوفایی، شادابی و گرمی زندگی قرار دارند از راه‌های مختلفی به دست می‌آید و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین آن‌ها توسل به اهل بیت علیهم‌السلام است.

ضرورت دولت‌سازی اسلامی در زنجیره تمدن‌سازی اسلامی و واگذاری مسئولیت به جوانان در گام دوم انقلاب ایجاب می‌کند که ایفای نقش توسط جوانانی صورت گیرد که با توسل به معصومان علیهم‌السلام نه تنها خود به سطح بالایی از امیدواری و نشاط دست یافته؛ بلکه زمینه را برای ارتقای این روحیه در سایر مردم هم فراهم کنند.

۱. مفهوم‌شناسی

«توسّل» مصدر باب تَفَعَّل از ماده «و س ل» و «وسل» به معنای تقرب به غیر (نک: جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۸۴۱)^۱ از طریق عمل یا شخص دیگر و... است و در اصطلاح، عملی است که به واسطه آن تقرب به خداوند تعالی حاصل می‌شود (غروی، ۱۳۷۱: ۱۰۵). معنای توسل به اهل بیت علیهم‌السلام که واسطه فیض حق تعالی هستند، این است که انسان تحت

۱. «الْوَسِيلَةُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى الْغَيْرِ».

فرمان امامان معصوم علیهم السلام حرکت کند و به وسیله آنان به حرکت خود ادامه دهد (عراقچی همدانی، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

از سویی سلامت اجتماعی به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه و به ابعدی از سلامت تأکید دارد که مربوط به ارتباط فرد با افراد دیگر و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند (شربتیان و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۶۶ و ۱۶۷) و به مثابه جنبه‌ای از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی است (سمیعی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳).

«آرامش» در لغت، اسم مصدر از آرامیدن و به معنای سکون و آسایش (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۰ و ۶۱) و راحتی است و به لحاظ مفهومی در مقابل اضطراب قرار دارد (بهرامی، ۱۳۸۴: ۶۴).

۲. پیشینه

با توجه به بررسی‌های انجام شده، در بحث توسل کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است؛ از جمله کتاب توسل از سید محمد ضیاء آبادی و کتاب توسل یا استمداد از اولیای خدا نوشته آیت‌الله جعفر سبحانی و مقاله محسن غروی‌ان با عنوان «فلسفه توسل».

همچنین در زمینه سلامت اجتماعی مقالات مختلفی نگاشته شده که نقش متغیرهای مختلف در سلامت اجتماعی را بررسی کرده‌اند؛ از جمله مقاله «سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام؛ شاخص‌ها و آسیب‌ها» از مریم اسماعیلی و مقاله «دین و سلامت اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با سلامت اجتماعی» نوشته فیروز راد و دیگران و مقاله «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی» از محمدحسن میرزاحمدی و دیگران.

لازم به ذکر است که در جستجوی نگارنده این سطور تحقیقی که بیانگر نقش توسل به اهل بیت علیهم السلام در مؤلفه امیدواری و نشاط سلامت اجتماعی جوانان و ارتباط این دو باشد، یافت نشد. سؤال اصلی پژوهش این است که نقش توسل به اهل بیت علیهم السلام در ایجاد آرامش و روحیه امیدواری و نشاط چیست؟ فرضیه پژوهش این است که توسل به اهل بیت علیهم السلام می‌تواند روحیه امیدواری و نشاط را در جامعه افزایش دهد.

۳. نقش توسل به اهل بیت علیهم السلام در ایجاد آرامش و روحیه امیدواری و نشاط

همه انسان‌ها در تلاش جهت تأمین نیازهای جسمی و روحی خود هستند و در این راستا اصرار و پافشاری دارند. در واقع آنان دانسته یا ندانسته به دنبال آرامش و گریزان از هرگونه اضطراب و ناآرامی هستند؛ زیرا هرگونه کاستی در تأمین نیازمندی‌هایشان را مخالف آرامش و اضطراب‌آفرین می‌دانند. به عبارت دیگر می‌توان گفت انسان زندگی می‌کند تا آرامش داشته باشد (بهرامی، ۱۳۸۴: ۶۴).

مهم‌ترین راه برای تأمین این آرامش روحی نزدیکی به خداوند تعالی و یاد اوست: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد، ۲۸): «آگاه باشید که با یاد خداوند تعالی دل‌ها آرامش می‌یابند.»

زیرا روح و صفات روحی انسان، در عین استفاده از عالم مادی، دارای سیر معنوی است و با عالم غیب ارتباط دارد و در صورت حفظ این ارتباط و سیر در عالم معنا می‌تواند نشاط روحی را روزبه‌روز افزایش دهد. این مهم تنها در سایه پرستش و اطاعت خداوند تعالی امکان دارد؛ زیرا شادابی و نشاط و آرامش خصلت‌های روحی انسان هستند و روح آدمی نشئت گرفته از روح پروردگار عالمیان است: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر، ۲۹)؛ «و در او از روح خویش دمیدم.»

لذا انسان با حفظ ارتباط معنوی بین خالق و مخلوق می‌تواند روانی سالم داشته باشد و تا هر زمان که این ارتباط و رازونیا با آفریدگار هستی ادامه یابد آن شادابی برقرار خواهد بود (نک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۹ و ۲۰)؛ زیرا انسان همانند چراغی است که باید هرآن به مرکز نور متصل و تمام فعالیت‌های او در پرتوی این نور باشد (نک: دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۴۴).

ازسویی یکی از عوامل مهم در موفقیت انسان امید وافر به زندگی و آینده‌ای درخشان است؛ زیرا تا انسان امید به آینده‌ای مطلوب را در دل نداشته باشد، نمی‌تواند از جهت روحی اقناع شود و پشتکار لازم را در راه رسیدن به هدف خرج کند. امید باعث بهره‌مندی انسان از تمامی ظرفیت‌های روحی و جسمی‌اش می‌شود.

در بهار عمر و رشد مادی و معنوی، یعنی جوانی، امید می‌تواند نقش کلیدی در اعمال و رفتار آدمی ایفا، استعداد‌های جوان را شکوفا، اعتمادبه‌نفس او را زیاد کرده، آینده‌وی را

روشنی بخشیده، خیالات غیرواقعی و وسوسه‌های شیطانی را از بین برده و دورنمایی روشن را جلوی جوان بگذارد.

لذا اهمیت روحیه امیدواری در جوانی مضاعف است و امید نیز تنها باید به خداوند قادر متعال باشد؛ زیرا غیر خداوند ﷻ هرچه هست واسطه است و تمام واسطه‌ها را او ایجاد کرده و همه در گروی مشیت الهی هستند (نک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۷۶ و ۷۷): ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق، ۳)؛ «هرکس بر خداوند ﷻ توکل کند، او برای وی بس است.»

همچنین شادمانی و نشاط از عنصرهای مفید و بارز برای زندگی است؛ به گونه‌ای که در آموزه‌های روان‌شناختی و دینی عنایت خاصی به آن شده است. برخورداری از چهره شاد و امیدوارانه از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۳۰۵). در پرتوی شادی و نشاط، زندگی دنیایی طراوت و پویایی ویژه پیدا می‌کند و روح امید و پیشرفت در انسان دمیده می‌شود (پناهی، ۱۳۸۸: ۱۶).

طبق تعالیم قرآنی یاد خداوند ﷻ و دل بستن به خداوند ﷻ و رسیدن به کمال انسانی که در بندگی خداوند ﷻ است، آرامش‌دهنده قلب آدمی است که طوفان‌های سهمگین حوادث هرگز قادر نیست کوچک‌ترین تزلزلی در آن ایجاد کند؛ به همین جهت قرآن درباره اولیای خداوند ﷻ و کسانی که جز رسیدن به خداوند ﷻ هدفی ندارند (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۲) می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف، ۱۳)؛ «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است سپس استقامت به خرج دادند؛ آنان نه از چیزی می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند.»

البته در کنار یاد خداوند ﷻ عوامل دیگری در روحیه‌بخشی و امیدآفرینی، همچون داشتن تکیه‌گاه و پناهگاه و انتظار آینده خوب و پیروزی نهایی حق بر باطل تأثیر دارد که توسل به اهل بیت ﷺ راه رسیدن به آن‌ها را هموار می‌کند.

ذکر این نکته لازم است که ابعاد سلامت انسان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ لذا گاهی مؤلفه‌های آن‌ها با هم مشترک است؛ چنان‌که آرامش و امیدواری و نشاط را می‌توان از مؤلفه‌های سلامت روانی و سلامت اجتماعی با هم دانست.

۱.۳. قرب به درگاه الهی

اولین نقش توسل به اهل بیت علیهم السلام تقرب به خداوند تعالی است که این تقرب یکی از اصلی ترین عواملی است که باعث ایجاد روحیه امیدواری و نشاط و آرامش در انسان می شود.

راغب «قرب» را به معنای نزدیکی و نقطه مقابل «بعد» به معنای دوری می داند و موارد استعمال و در واقع اقسام آن را به این صورت مطرح می کند:

أ. نزدیکی مکانی، مانند: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾^۱ (بقره، ۳۵) و ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾^۲ (انعام، ۱۵۲)؛

ب. نزدیکی زمانی، مانند: ﴿إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ﴾^۳ (انبیاء، ۱) و ﴿وَإِنْ أَدْرِي أُقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ﴾^۴ (انبیاء، ۱۰۹)؛

ج. نسبت داشتن و خویشاوندی، مانند: ﴿وَإِذَا حَصَرَ الْقَيْسَمَةَ أَوْلُوا الْقُرْبَى﴾^۵ (نساء، ۸) و ﴿الْوَالِدَانَ وَالْأَقْرَبُونَ﴾^۶ (نساء، ۷)؛

د. بهره مندی، مانند: ﴿الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ﴾^۷ (نساء، ۱۷۲) و ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ﴾^۸ (مطففين، ۲۸)؛

۱. «اما [نزدیک این درخت نشوید. »

۲. «و به مال یتیم، جز به نحو احسن [و برای اصلاح] نزدیک نشوید.»

۳. «حساب مردم به آن ها نزدیک شده.»

۴. «و نمی دانم آیا وعده [عذاب خداوند تعالی] به شما نزدیک است یا دور؟»

۵. «و اگر به هنگام تقسیم [ارث] خویشاوندان [و طبقه ای که ارث نمی برند] و یتیمان و مستمندان حضور داشته باشند.»

۶. «پدر و مادر و خویشاوندان»

۷. «فرشتگان مقرب»

۸. «همان چشمه ای که مقربان از آن می نوشند.»

ه. پاس و حرمت داشتن از سوی خداوند ﷻ، مانند: ﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ (اعراف، ۵۶) و ﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ﴾^۲ (بقره، ۱۸۶)؛ و قدرت، مانند: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^۳ (ق، ۱۶) و ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ﴾^۴ (واقع، ۸۵).

و «قرب الله تعالی من العبد»، یعنی نزدیکی خداوند ﷻ به بنده را با بخشیدن و فضیلت به بنده و فیض رساندن به او، نه قرب و نزدیکی مکانی مطرح کرده است و «قرب العبد من الله»، یعنی نزدیکی بنده به خداوند ﷻ را در حقیقت مخصوص شدن به صفات فراوانی مطرح کرده که اگر خداوند ﷻ را هم با آنها توصیف کنیم درست است؛ هرچند توصیف انسان به آنها به حدی که خداوند ﷻ به آنها توصیف می شود نیست؛ مثل حکمت، علم، بردباری، رحمت و بی نیازی که این صفات در انسان با زایل کردن پلیدی های جهل و خشم و نیازهای جسمی به اندازه طاقت بشری است و آن را قرب روحانی گویند، نه بدنی و جسمی (نک: راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۵۸ تا ۱۶۰).

البته قربی که درباره ذات مقدس ربوبی معنا دارد فقط قرب معنوی و روحانی است. این قرب از رهگذر ابراز عشق ویژه به ذات مقدس ربوبی به دست می آید (خاتمی، ۱۳۸۶: ۱۱).

در قرآن کریم عبودیت هدف نهایی آفرینش ذکر شده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶)؛ «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند]».

۱. «زیرا رحمت خداوند ﷻ به نیکوکاران نزدیک است.»

۲. «من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم.»

۳. «و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم.»

۴. «و ما به او نزدیکتریم.»

ازسویی قوام عبادت به تقرب است؛ زیرا عبادت فعلی است که قربه‌الی‌الله انجام می‌شود و هدف و نتیجه آن قرب است که مقام بسیار عالی جوار خداوند ﷻ است و فراتر از آن چیزی برای انسان تصور نمی‌شود (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۱).

آدمی چنان توان و قابلیت دارد که می‌تواند به مقام اعجاب‌انگیزی از قرب به خداوند ﷻ برسد. در دعای شریفی که از ناحیه مقدس امام زمان ﷺ صادر شده و در روزهای ماه رجب خوانده می‌شود، چنین آمده است (نک: همان): «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقَمَّهَا وَ رَتَّقَهَا بِيَدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَ عَوْدُهَا إِلَيْكَ» (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۸۰۳)؛ «هیچ تفاوتی میان تو و ایشان نیست؛ جز اینکه آن‌ها بندگان و مخلوقات تو هستند و اداره امور آن‌ها به دست توست. از تو آغاز و به سوی تو بازمی‌گردند.»

شواهد عملی و روایی معصومان ﷺ می‌رساند که ایشان به بالاترین درجات معرفت و عبودیت پروردگار و به تبع آن به والاترین مراتب قرب و وصول به حق نایل شده‌اند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۱).

در توضیح قرب اهل بیت ﷺ باید گفت که مهم‌ترین عامل قرب به خداوند ﷻ بندگی اوست. ازسویی ارزش بندگی به معرفت است؛ یعنی هرچه معرفت سالک بیشتر شود بندگی او ارزش بیشتری می‌یابد. با توجه به اینکه انسان‌های کامل، مانند ائمه اطهار ﷺ در بینش و منش مصون از لغزش هستند، بندگی آنان از بالاترین ارزش برخوردار است. در نتیجه قرب آنان به پروردگار عالم بی‌بدیل خواهد بود (جوادی آملی و محمد صفایی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۲۸۲).

همچنین در فرازی از زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيِّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ الْمُقَرَّبُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۱)؛ «و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌یافته معصوم مکرم مقرب هستید.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۵۴۳).

با توجه به ضعف و قصور و آلودگی‌هایی که در ما هست لایق حضور در محضر خداوند ﷻ و توجه به او و سخن گفتن با وی نیستیم؛ بدین سبب خداوند ﷻ راهی را فراروی ما نهاده که از آن طریق بتوانیم به او تقرب جویم و آن انوار مقدس اهل بیت ﷺ است که به برکت توجه و توسل به آنان خداوند ﷻ به ما عنایت می‌کند. توجه به

اهل بیت علیهم السلام باعث تقرب ما به خداوند جل جلاله می شود و شیطان را از حریم دل دور می کند و علی رغم گناهان و گستاخی های ما در مقابل خداوند جل جلاله باعث می شود با مقام بسیار والایی که ایشان نزد خداوند جل جلاله دارند، در پیشگاه وی از ما شفاعت کنند و در نتیجه خداوند جل جلاله گناهان ما را ببخشد و در پرتوی مقام و منزلت ایشان به ما هم عنایت کند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

به طوری که براساس متون شیعه، امام یاور و پناهگاه و امیدآفرین است. امام علیه السلام بر قلوب مردم ولایت قلبی و روحی و به بندگان شایسته خداوند جل جلاله و پیروان راستین خود عنایت خاصی دارد و دعایی که در حق پیروان واقعی خود می کند، رد نمی شود و به اجابت می رسد. امام علیه السلام از رفتار مردم و از نیت ها و ویژگی های قلبی آنها آگاه است. نه تنها امام حاضر در زمان حضور خود این ویژگی ها را دارد؛ بلکه امام زمان علیه السلام هم در زمان غیبت خود از تمام رفتارها و نیت ها و حالات شیعیانش آگاه است. این جزء اعتقادهای ویژه شیعیان است که در وقت درماندگی و قطع امید از همه جا به امام دوازدهم علیه السلام متوسل می شوند و حضرت نیز دستگیری می فرماید (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۵۶).

۲.۳. قرار گرفتن در پناهگاه امن

دومین نقش توسل قرار گرفتن در پناهگاه امن است. در جامع ترین متن امام شناسی (زیارت جامعه کبیره) امامان علیهم السلام را به عنوان «کَهْفِ الْوَرَى» می خوانیم. «کَهْف» غار بزرگی است که پناهگاه باشد و غار کوچک را کَهْف نمی نامند. برخی هم غاری را که پناهگاه باشد کَهْف نامیده اند؛ چه وسیع باشد و چه نباشد (نک: قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۵۴). به هر حال در مفهوم «کَهْف» پناهندگی و اطمینان و محفوظ ماندن از خطر قرار داده شده است. همچنین «وَرَى» (نک: عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۹) به معنای خلق بندگان خداوند جل جلاله است؛ لذا «کَهْفِ الْوَرَى» به معنای پناهگاه خلق است (نک: خاتمی، ۱۳۸۳: ۱۰).

همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که حضرت فرمودند: «نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ اتَّجَأَ إِلَيْنَا» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۲۱)؛ «ما پناهیم کسی را که به ما پناه آورد.» (اربلی، ۱۳۸۲: ج ۳، ۳۰۰).

و در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «أَنَا عَلَمُ الْهُدَى وَ كَهْفُ الثَّقَى» (ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۳۲۶)؛ «من پرچم هدایت و پناهگاه پرهیزگاری هستم.»

حال سؤال این است که پناهگاه بودن امامان علیهم السلام به چه معنا است؟ در پاسخ متذکر می‌شویم که در پناهگاه دو عنصر نهفته است:

أ. خطر که تا نباشد انسان به پناهگاه نمی‌رود؛

ب. مصون ماندن که اگر این عنصر در پناهگاه نباشد نمی‌توان نامش را پناهگاه گذاشت.

حال با توجه به عناصر مذکور سؤال دیگری مطرح می‌شود که خطر چیست و اهل بیت علیهم السلام چه نقشی در رفع یا دفع این خطر دارند؟ در پاسخ باید گفت که این خطر را در دو بخش می‌توان بیان کرد:

خطر اول خطر تکوینی است؛ از احادیث فراوان استفاده می‌شود که اگر حجت خداوند صلی الله علیه و آله بر زمین نباشد حداقل، انسان‌ها ماندگار نیستند. آنان واسطه در رزق، باران، آرامش زمین و... هستند (نک: خاتمی، ۱۳۸۳: ۱۰)؛ «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُزَلُّ الْعَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰۰)؛ «خداوند صلی الله علیه و آله به شما افتتاح عالم ایجاد کرد و به شما نیز ختم کتاب آفرینش کرد و به واسطه شما خداوند صلی الله علیه و آله بر ما باران رحمت نازل کرد و به واسطه شما آسمان را به پا داشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید.» (قمی، ۱۳۹۴: ۸۹۶).

قرآن کریم می‌فرماید که به برکت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله امت عذاب نمی‌شوند: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ (انفال، ۳۳)؛ «هیچ‌گاه خداوند صلی الله علیه و آله آن‌ها را مجازات نخواهد کرد؛ درحالی که حضرت در جمع آن‌ها هستی.»؛ یعنی در حقیقت وجود پربرکت تو که رحمة للعالمین است مانع از آن است که بر این گناهکاران بلا نازل شود و همانند اقوام پیشین که به‌طور دسته‌جمعی یا انفرادی با وسایل مختلف از میان رفتند، نابود شوند. تجلی وجودی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و کسانی که شخصیت حقیقی و حقوقی ایشان به آن‌ها منتقل شده است، ائمه علیهم السلام و امروز، حضرت بقیة الله علیه السلام هستند؛ یعنی همان‌گونه که به برکت وجود

پیامبر ﷺ بلا از امت دور می‌شد، امروز هم، به همان ملاک، به برکت امام زمان ﷺ بلا از امت دور شده و «عذاب استیصال» بر آنها وارد نمی‌شود.

خطر دوم خطر انحراف است که اگر از خطر تکوینی زیان‌بارتر نباشد، قطعاً کمتر نیست. به هنگام موج گسترده انحراف در حوزه دین تنها پناهگاه مطمئن تفسیر اهل بیت ﷺ از آن است (نک: خاتمی، ۱۳۸۳: ۱۱) که فرمودند: «شَرِّقًا وَ عَرَبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» (صفر، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰)؛ «به هر سوی عالم بروید علم صحیح را نمی‌یابید؛ مگر چیزی که از نزد ما اهل بیت ﷺ باشد.»

تفسیر درست دین در عرصه اعتقادات، تفسیر قرآن، فقه، اصول، فلسفه، کلام و... را فقط باید از این مکتب آموخت.

اهل بیت ﷺ کهف الوری هستند؛ چون خود سنگ‌نشین کهف ذات مقدس ربوبی‌اند که مطمئن‌ترین پناهگاه است (نک: خاتمی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ چنان‌که امام علی ﷺ به فرزندش امام حسن ﷺ فرمودند: «وَ أَلْجِئُ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيزٍ وَ مَانِعٍ عَزِيزٍ» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۳۹۳)؛ «خود را در همه کارها در پناه خدای خویش قرار ده که اگر چنین کنی به پناهگاهی استوار و در پناه نگاهبانی نیرومند درآمده‌ای.» (شریف‌الرضی، ۱۳۹۲: ۶۱۹).

بنابراین پناهگاه اصیل و ذاتی خداوند ﷻ است. امامان نور ﷺ از آن جهت که بندگان برگزیده ذات مقدس ربوبی هستند، تجلی کهف ربوبی می‌باشند؛ بنابراین پناهندگی به آنان در حقیقت پناهندگی به ذات مقدس ربوبی است؛ چون آنها هم، به اذن او پناه می‌دهند.

ذکر این نکته لازم است که پناهندگی به اهل بیت ﷺ که بندگان صالح خداوند ﷻ هستند تنها با شعار نیست؛ بلکه با تمسک به روش و منش ایشان است.

در حدیث معروف ثقلین آمده است (نک: خاتمی، ۱۳۸۳: ۱۰ تا ۱۲)؛ «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۴۶۴)؛ «تا زمانی که به این دو [قرآن و عترت] پایبند باشید، پس از من هرگز گمراه نخواهید شد.»

جوانی که پناهگاه خود را اهل بیت ﷺ قرار داده از تمام آسیب‌ها و خطرات خود را محفوظ داشته است؛ همان خطراتی که می‌تواند تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی او را

تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا یکی از برکات پناه گرفتن در کهف امن اهل بیت علیهم السلام آرامش حاصل از در امان بودن از این آسیب‌هاست.

۳.۳. ایجاد روحیه امید و نشاط به آینده روشن

سومین نقش توسل ایجاد روحیه امید و نشاط به آینده روشن است که توسل به امام زمان علیه السلام و در واقع توجه به وجود مقدس حضرت ستون محکمی است که باید انسان در تمام مراحل زندگی تکیه گاه خودش قرار دهد و از برکات مادی و معنوی و آثار نورانی این توجه استفاده کند. توجه به حضرت در واقع توجه به خداوند جل جلاله و توجه به همه انبیا و اولیا و وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و توجه به همان هدفی است که خداوند جل جلاله جهان و انسان را برای آن هدف آفریده است؛ زیرا وجود مقدس حضرت عصاره وجود همه انبیا و اولیای خداوند جل جلاله است و ودیعه‌ای است که خداوند جل جلاله تا پایان این عالم برای بشریت ذخیره کرده است؛ لذا در یک جمله می‌توان گفت که یاد امام عصر علیه السلام در حقیقت یاد خداوند جل جلاله است و هدف از این توجه همان هدف از عبادت خداوند جل جلاله است (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۹۰ و ۱۹۱): «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ» (ابن بابویه، بی تا: ج ۲، ۵۲۸)؛ «هرکس که اراده خداشناسی و اشتیاق به خداوند جل جلاله در دل یافت، به پیروی شما یافت و هرکس خداوند جل جلاله را به یگانگی شناخت، به تعلیم شما پذیرفت.» (قمی، ۱۳۹۴: ۸۹۶).

با توجه به آنچه گذشت این سؤال مطرح می‌شود که چه کنیم تا آن حضرت بیشتر به ما توجه کنند و با چه وسیله‌ای می‌توانیم بیشتر به آن حضرت نزدیک شویم؛ زیرا نزدیکی به ایشان نزدیکی به خداوند جل جلاله است.

در پاسخ می‌گوییم که انواع عبادت‌ها به‌ویژه توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و انواع دعاها، زیارت‌ها، عزاداری‌ها و مخصوصاً گریه برای سیدالشهدا علیهم السلام یکی از راه‌های نزدیک شدن به آن حضرت و بعد به خداوند جل جلاله است (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۹۱ و ۱۹۲).

در ادب زیارت بارگاه حسینی علیه السلام چنین آمده است:

«دست چپ را روی قبر می‌گذاری و با دست راست اشاره می‌کنی و می‌گویی: "السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لِمَ أَكُنْ أَذْرَكْتُ نُصْرَتَكَ يَدِي فَهَذَا أَنَا ذَا وَافِدٌ إِلَيْكَ بِنُصْرَتِي قَدْ

أَجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ بَدَنِي وَ زَائِي وَ هَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لَكَ وَ الْخَلْفِ الْبَاقِي مِنْ بَعْدِكَ الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ مِنْ وُلْدِكَ فَتَضَرَّتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.» (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۵۸)؛ «درود بر تو ای فرزند رسول الله ﷺ. زمان شما را درک نکردم تا شما را با دستم نصرت کنم؛ اما اکنون با همه وجودم، قلبم، گوشم، چشمم، بدنم، رأیم و همه خواسته‌هایم تسلیم امر شمایم و در راه نصرت شما و جانشینان شما، یعنی راهنمایان به سوی خداوند ﷻ از فرزندان شما هستم. اکنون تمام یاری من برای شما آماده است تا به هنگامی که خداوند ﷻ اراده و حکم کند و او بهترین حاکم است.»

از این بخش از زیارت‌نامه معنای انتظار و همچنین کیفیت آمادگی برای ظهور امام ﷺ روشن می‌شود. در واقع روح انتظار همین است؛ یعنی جان و دل و عقل و سر و رأی و هوا، همه را در راه دوست مهیا و خود را بر اراده آنان همسو کردن. جمله «وَ الْخَلْفِ الْبَاقِي مِنْ بَعْدِكَ» در زیارت هم به این معنا اشاره دارد (نک: واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۵۳ و ۵۴).

یکی از شیوه‌های توسل زیارت معصومان ﷺ است. در زیارت، زائران در کنار مرقد‌های اهل بیت ﷺ متون مقدسی را می‌خوانند که دارای محتوای عمیق و سازنده است و حکایت از باورهای دینی و کمالات معصومان، اولیا، صالحان و فرزندان اهل بیت ﷺ دارد. همچنین دارای نقش پرورشی و هدایتی برای زائر است؛ زیرا مباحث اعتقادی و امامت و ولایت و ارتباط آن با توحید به شیوه‌ای محکم و متین مطرح می‌شود که اولین ثمره آن هدف‌دار و جهت‌دار کردن زندگی زائر است و باعث ایجاد نوعی اطمینان و آرامش و امیدواری در قلب و روح او می‌شود. وقتی زائر در چنین مکان‌های منوری به درگاه خداوند ﷻ التماس می‌کند تا به اذن الهی آن وجودهای مقدس برایش شفاعت کنند یا از خداوند ﷻ می‌خواهد که شفاعت این پاکان را شامل حال او کند، به رحمت الهی امیدوار و از غم‌های جانکاه و نگرانی‌های فرساینده و آشفته‌گی‌های روانی رها می‌شود (نک: گلی زواره قمشه‌ای، ۱۳۸۷: ۲۴).

در حقیقت یکی از اهداف عمده و عمومی زیارت که خاستگاه اعتقادی و دینی مطمئن و یقینی دارد تأثیر خارجی اراده اهل بیت ﷺ در حل مشکلات انسان و ارائه راه روشن و نیز همراهی مؤثر در پیشبرد مقاصد بشر است. قدرت اولیای الهی در تصرف در پدیده‌های تکوینی، براساس اعتقادات دینی و براهین عقلی و نقلی، مسلم است. حتی علل

تکوینی در پیدایش و تأثیرگذاری، خود نیازمند افاضه و توجه اولیا و اهل بیت علیهم السلام هستند (واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۱۴۹): «وَيُؤْتِيهِمُ الرِّزْقَ الوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۲۳): «و به برکت او [امام معصوم علیه السلام] مردم روزی داده شوند و به وجود او زمین و آسمان ثابت است.» (قمی، ۱۳۹۴: ۱۵۹) و «و بَكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بَكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بَكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ...» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰۰): «و به واسطه شما [اهل بیت علیهم السلام] خداوند تعالی بر ما باران رحمت نازل کرد و به واسطه شما آسمان را به پا داشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید و به واسطه شما غم و اندوه و رنجها از دلها برطرف می‌گردد.» (قمی، ۱۳۹۴: ۸۹۶).

این ویژگی در حیات و ممات ایشان وجود دارد و به علت علم ایشان به تمام سختی‌ها و قدرت در رفع آنها و به مقتضای سنت الهی، در حال ممات هم با زیارت و بیان مشکلات و نگرانی‌ها به درگاه ایشان باعث آرامش و امنیت خاطر می‌شوند؛ همان‌طور که در حیات آنان باید در سایه ارتباط مشکلی بیان شود تا راهی برای رفع آن مشکل مطرح و با انفس قدسی ایشان حاجتی برطرف شود.

انسان‌ها در طول زندگی با مشکلاتی مواجه می‌شوند که هیچ‌یک از ابزار مادی با همه قدرت، امکان حل آنها را ندارند. در این حال اضطرار، انسان‌ها با تضرع به اولیای راستین الهی متوسل می‌شوند و اتفاقاً سبب پناهگاه (مأوا و ملجأ و ملاذ) معرفی شدن اهل بیت علیهم السلام در زیارات، به ویژه زیارت جامعه، همین نکته است (نک: واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۱۵۰): «وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأً إِلَيْكُمْ» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۲۹۸): «و هر که به شما پناه آورد ایمن (از آلام دو عالم) گردید.» (قمی، ۱۳۹۴: ۸۹۲).

با انقطاع علل مادی نفس انسانی به صورت فطری به دنبال راه‌های غیرطبیعی و غیرمادی می‌رود و این رجوع به حق و راستین او به اولیا نشان از تأثیرگذاری آنان در نظام هستی دارد (نک: واعظ جوادی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

یکی از بهترین بسترهای یاد اهل بیت علیهم السلام محرم است که دو کار به هم مرتبط و فوق‌العاده مهم انجام می‌دهد. یکی از آنها تخلیه درونی سوگواران از آلام، مصائب، دغدغه‌ها و حزن‌های پنهان است. سوگواران همه مصائب و اندوه خود را به پای آلام و مصائب حسین بن علی علیه السلام می‌ریزند و آنها را پاک می‌کنند. لازمه این تخلیه چیست؟

قطعاً تجدید حیات، طراوت، شادابی و خوش بینی به زندگی که همه افراد جامعه سوگوار دریافت می کنند؛ بنابراین می بینیم که پس از تاسوعا و عاشورا نشاط و امید به زندگی ارتقا می یابد. انسان های سوگوار به درستی تلقین شده اند که آینده از آن مؤمنان و موحدان و یاران امام حسین علیه السلام است؛ پس تاسوعا و عاشورا و عزاداری بر امام حسین علیه السلام همه ما را به هم پیوند می دهد و به آینده خوش بین می کند و مصائب و آلام ما را کم کرده و از بین می برد و ما را انسان هایی سالم و امیدوار و متحد می سازد (تقی زاده داوری، ۱۳۸۵: ۴۰).

نتیجه گیری

از این پژوهش نتایج ذیل به دست آمد:

ا. تقرب به خداوند تعالی از اصلی ترین عواملی است که باعث ایجاد روحیه امیدواری و نشاط و آرامش در انسان می شود و با توجه به ضعف و قصور و آلودگی هایی که در ما هست، لایق حضور در محضر خداوند تعالی نیستیم؛ لذا توسل به اهل بیت علیهم السلام که خود مقرب ترین انسان ها هستند راهی است که از آن طریق می توانیم به خداوند تعالی تقرب جویم؛

ب. آرامش حاصل از در امان بودن از آسیب ها و خطرات با داشتن پناهگاهی امن همچون اهل بیت علیهم السلام حاصل می شود که انسان ها با توسل به ایشان خود را در این مأمن قرار می دهند؛

ج. امام زمان علیه السلام امام زنده هستند که توسل به ایشان می تواند گشایش دهنده بسیاری از مشکلات باشد. دعای فرج از ادعیه ای است که با توسل به حضرت روحیه امید و گشایش در امور را می تواند احیا کند. این گونه توسلات می تواند زمینه معرفت به ائمه علیهم السلام به خصوص حضرت ولی عصر علیه السلام را زیاده تر کرده و زمینه ساز شادی و نشاط شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه محمدتقی آقانجفی اصفهانی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۲. ____، ۱۴۱۳، من لا یحضره الفقیه، به تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ____، ۱۳۶۷، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری و دیگران، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۰، طرف من الأبناء و المناقب، به تحقیق و تصحیح قیس عطار، مشهد: تاسوعا.
۵. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، به تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
۶. ____، ۱۳۸۲، كشف الغمة، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، به تحقیق و تصحیح ابراهیم میانجی، ج ۳، تهران: انتشارات اسلامیة.
۷. بهرامی، غلامرضا، ۱۳۸۴، جوان، ج ۳، قم: دلیل ما.
۸. پناهی، علی احمد، اسفند ۱۳۸۸، «عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روان شناسی»، معرفت، س ۱۸، ش ۱۴۷، ص ۱۵ تا ۳۸.
۹. تقی زاده داوری، محمود، بهمن ۱۳۸۵، «بررسی کارکردهای انسانی، فرهنگی و اجتماعی مراسم سوگواری محرم»، اخبار شیعیان، س ۲، ش ۱۵، ص ۳۹ تا ۴۲.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله و محمد صفایی، ۱۳۸۸، ادب فنای مقربان، ج ۵، قم: اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، به تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. خاتمی، سیداحمد، آبان ۱۳۸۳، «امامان علیهم السلام پناهگاه مطمئن»، پاسدار اسلام، س ۲۳،

ش ۲۷۵، ص ۱۰ تا ۱۲.

۱۳. ___، آذر ۱۳۸۶، «ویژگی های امامان علیهم السلام»، پاسدار اسلام، س ۲۶، ش ۳۱۲، ص ۹ تا

۱۱.

۱۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری انتشارات روزنه.

۱۵. دین پرور، سید جمال الدین، ۱۳۹۴، پندهای کوتاه از نهج البلاغه برای جوانان، چ ۴، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، به تحقیق و تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، چ ۲، تهران: مرتضوی.

۱۷. «راه ورسم سلوک، گفت و گو با آیت الله عراقچی همدانی»، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، کتاب نقد، س ۱۰، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۳۵۵ تا ۳۶۶.

۱۸. رجبی، عباس، آبان ۱۳۸۴، «راز جوانی»، شمیم یاس، س ۱۳، ش ۳۲، ص ۵۲ تا ۷۰.

۱۹. سمیعی، مرسده و دیگران، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، «سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع مدار تا شاخص شواهد مدار»، مسائل اجتماعی ایران، س ۱، ش ۲، ص ۳۱ تا ۵۱.

۲۰. شربتیان، محمدحسن و سامره علیزاده خانقاهی، زمستان ۱۳۹۴، «مطالعه تأثیر مهارت های زندگی بر سلامت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان حاجی آباد)»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، س ۲، ش ۶، ص ۱۶۵ تا ۲۰۸.

۲۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶، خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، به تحقیق و تصحیح محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲۲. ___، ۱۴۱۴، نهج البلاغة (للصبي صالح)، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.

۲۳. ___، ۱۳۹۲، نهج البلاغة، ترجمه علی شیروانی، چ ۳، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم

- رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، شرح أصول الكافي (صدرا)، به تحقیق و تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، به تحقیق و تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چ ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، به تحقیق و تصحیح حسن الموسوی خرسان، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. __، ۱۴۱۱، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰، الفروق في اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
۲۹. غرویانی، محسن، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، «فلسفه توسل»، نور علم، س ۱، ش ۴۹، ص ۹۶ تا ۱۰۹.
۳۰. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. قمی، شیخ عباس، ۱۳۹۴، مفاتیح الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، به تصحیح محمدرضا رضوان طلب، چ ۲۴، قم: آیین دانش.
۳۲. گلی زواره قمشه‌ای، غلامرضا، اردیبهشت ۱۳۸۷، «زیارت، دیداری با برکت (قسمت اول)»، پاسدار اسلام، س ۲۷، ش ۳۱۷، ص ۲۱ تا ۲۵.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۲۳، زاد المعاد - مفتاح الجنان، به تحقیق و تصحیح علاءالدین اعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، آفتاب ولایت، به تدوین و نگارش محمدباقر حیدری، چ ۴، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. __، ۱۳۹۰، به سوی تو، به تدوین و نگارش کریم سبحانی، چ ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۶. __، ۱۳۸۶، سفر به سرزمین هزار آیین: گزارش سفر آیت الله مصباح یزدی به

هندوستان، به تدوین و نگارش اصغر عرفان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۳۷. واعظ جوادی، مرتضی، ۱۳۹۱، فلسفه زیارت و آئین آن، به تصحیح علی اسلامی، ج ۷، قم: اسراء.

